

# عینیت و واقع‌نمایی گزاره‌ها در فلسفه علی‌کانت و ملاصدرا

حسین قاسمی\*

## چکیده

کانت فیلسوف مدرنیته بر این باور است که ساماندهی زندگی اخلاقی انسان منوط بر آن است که نظام اخلاقی طراحی گردد که دستورات آن بر خرد عام و همگانی مبتنی باشد تا از هرگونه شائبه غرایز و امیال شخصی که گریبانگیر نظامهای اخلاقی زمانه اوست، بدور باشد. تنها گزاره‌یی که از این ویژگی برخوردار است، گزاره تنجیزی است. حال مسئله این است که او عینیت و واقع‌نمایی این گزاره را چگونه توجیه میکند؟ در فلسفه اسلامی ملاصدرا چگونه به این مسئله پاسخ داده شده است؟

کانت در نقد خرد عملی امر تنجیزی را برگرفته از قانون اخلاق میدانند و تلاش میکند آن را با تکیه بر عقل عملی و فرضیه آزادی توجیه نماید. گرچه مباحث کانت در فلسفه اخلاق بگونه‌یی پیش می‌رود که نومن‌ها و بخصوص آزادی اثبات می‌گردد، اما او آنها را اصول موضوعه میدانند. این بدانمعناست که واقعیت عقل عملی و آزادی فقط امکان عملی بودن تجربه اخلاقی و دیگر حوزه‌های عملی را توجیه میکند. بعبارت دیگر، اذعان به واقعیت عقل و

\* دانش‌آموخته دکتری فلسفه اسلامی، گرایش حکمت متعالیه، دانشگاه تربیت مدرس؛ h.qasemi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۷ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۲/۲۲



آزادی تنها براساس باور و ایمان است؛ در نتیجه گزاره‌های اخلاقی عقلانی هستند اما شناختنی نیستند.

در فلسفه متعالیه ملاصدرا گزاره‌های عملی در حوزه فردی و اجتماعی براساس عقل عملی و با توجه به ارتباط آن با عقل نظری شکل میگیرند. بعلاوه، هر دو ساحت نظر و عمل از صُغ و باطن نفس نشئت یافته و با علم حضوری شناخته میشوند. در نتیجه، تمام دریافتهای نفسانی و عقلانی با حقیقت خیر و مراتب آن بعنوان امر وجودی مرتبطند. بدین ترتیب عینیت و واقعیت این گزاره‌ها نه براساس اصول موضوعه بلکه با تکیه به امکان شناخت حضوری از عالم نفس الامر توجیه میگردند.

در نوشتار حاضر تلاش می‌گردد با روش تطبیقی و از طریق تحلیل مبانی فلسفی کانت و ملاصدرا واقعیت و عینیت گزاره‌ها در فلسفه عملی به بحث گذاشته شود تا از این طریق، برجستگی مبانی فلسفه متعالیه آشکار گردد.

**کلیدواژه‌ها:** شیء فی‌نفسه، علم حضوری، اصول موضوعه، تعقل، عقل عملی،

اراده آزاد، حقیقت وجود

\* \* \*

## مقدمه

کانت بعنوان پایه‌گذار تفکر مدرنیته در نقد دوم خود با انتقاد از نگرشهای عاطفی و عقلی که در حوزه فلسفه اخلاق رواج دارد، آنها را دست‌آویزی برای سوء استفاده از اخلاق و ابهام در آموزه‌های اخلاقی میدانند. کانت در دوره‌ی زیسته که آموزه‌های اخلاقی از دو ناحیه مورد تأمل فلسفی بوده است: یکی از طرف اصحاب تجربه و دوم از سوی اصحاب عقل. کانت معتقد است هر دو گروه اخلاق را در معرض تهدید قرار داده‌اند، زیرا گروه اول اخلاق را بر طبیعت و احساسات تغییرپذیر انسانی مبتنی کرده‌اند و گروه دوم تفسیری از عقل و کمال ارائه داده‌اند که بخاطر ابهام‌آمیز و تهی بودن داده‌های آن، راه را برای سوء استفاده از اخلاق هموار میکند. بدین دلیل است که هر چند گاهی اخلاق با اتهام نسبیت، ذهنیت و قراردادی بودن روبرو

